

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

سید هاشم سدید

۲۴ جون ۲۰۱۵

مشکلات موجود بر سر راه پروژه تدوین لغتنامه "دری - دری"

می خواهم پیوست با نوشته دیروز خویش پیرامون کوشش برای تدوین یک لغتنامه به اصطلاح دری به دری، که در حال حاضر جناب هاشمیان صاحب قصد فراهم نمودن مقدمات مدون سازی آن را دارند، البته بعد از مطالعه مقاله "عذر بدتر از گناه داکتر صاحب هاشمیان" جناب نوری صاحب، یکی - دو حرف بسیار ضروری را خدمت دوستان محترم بیان کنم:

طوری که مشاهده می شود از مدت مدیدی بحث آقای نوری و آقای هاشمیان بر سر ترکیب دو صفت "پر" و "گرم" در بعضی مواقع با تندی دوام دارد؛ و چنین که از قرائن برمی آید، اگر آقای نوری در این بحث کوتاه نیاید، پایانی برای آن متصور نخواهد بود. آقای نوری با دلایل قانع کننده چنین ترکیبی را؛ یعنی، ترکیب "پرگرم" را، هم از نظر دستوری، هم از لحاظ فقدان زیبایی، همواری، شیوایی و آهنگ نامطبوع کلام و هم از نگاه مؤانست و دمسازی این دو صفت با هم و با ذوق و طبع نازک و ظریف واژه آرائی ادبی و مجموعه هائی معنایی یک کلام، درست، معمول و خوشایند نمی یابند.

اگر از روی حق و انصاف، و قضاوت یک قاضی، که هنوز به خوردن شربنی عادت نکرده باشد، دیده و قضاوت شود، در این خصوص ایشان کاملاً حق دارند (شاید گاهی، و در نوشته ای، ترکیبی که آقای هاشمیان روی آن اصرار و ابرام دارند، دیده هم شده باشد، در این صورت بهتر است آن ترکیب را به عنوان یک استثناً پذیرفت، که می تواند نویسنده یا شاعری، باری ذوقی به کله اش زده باشد - همانطوری که ذوق ترکیب این دو صفت عاید حال آقای هاشمیان شده - و این ترکیب ناسازگار از نظر دستور، و عجیب از دیدگاه آهنگ و آرایش کلامی را بدون در نظر گرفتن قواعد معنی شناسی و آژگانی - یکی از بخش های علم زبان شناسی - و وزن و موسیقی الفاظ و واژه ها، که از زمان های بسیار دور، به روایتی از زمان افلاتون، با باریک بینی و نازک اندیشی به هر کدام عنایت می شده و با دقت به رعایت آنها در نظم و نثر، در تمام دوره های تاریخ و در هر سبک ادبی و زبان، اهتمام می ورزیده اند، به کار برده باشد، نه به عنوان یک قاعده یا اصل غیر قابل نقض و انقطاع و انقضاً)، و آقای هاشمیان که این ترکیب را در یکی از نوشته های شان به کار برده اند، با قاطعیت پا می فشارند که این ترکیب به عنوان یک اصل مطلقاً درست است و هیچ دلیلی در این مورد نه قابل گفتن است و نه قابل شنیدن و پذیرفتن!

این مشاجره قلمی ماه ها است که پیرامون تنها یک کلمه ادامه دارد و آقای هاشمیان با وجودی که می داند - و باید بداند - که این ترکیب نوالکراهه درست نیست، با لجاجتی که برای یک انسان اندیشمند و صاحب تحصیل و کسی که حداقل هفت دهه از عمر عزیز شان را با قلم و کتاب و نوشتن و خواندن صرف نموده اند سازگار نمی باشد، یک ملی متر هم

از موضعی که در این هم‌آویزی که اختیار کرده اند، عقب نمی‌نشینند و به اشتباه خویش، با توجه به این اصل که اشتباه کردن جزئی از زندگی هر انسانی است و متضمن هیچ شرمی نیست، اعتراف نمی‌کنند. آری، سر یک کلمه، تنها سر یک کلمه، اینقدر کشمکش و جنجال!!

با چنین خوی و خلقی که - بگذریم از سائر مشکلاتی که فرا راه این پروژه قرار دارد، در صورتی که این پروژه به راه بیفتد، - ما می‌خواهیم به کاری دست بزنیم که انجام آن به کندن کوهی از جا و بردن آن از یک محل به محل دیگری می‌ماند!

تجربه دیگران نشان داده است که انجام چنین کاری، اگر انسان واقعاً پشتکار داشته باشد و با نیت خالص و ایثار و از خودگذری و خود را ندیدن و سر نفس اماره را زیر بالش کردن قصد انجام آن را داشته باشد، کار ناشدی نیست، اما با تجربه های ملموس و عینی که ما از برخی از بزرگان خود داریم؛ برخی بزرگانی که "مرغ شان فقط یک لنگ دارد"، و همیشه یکی را پائین می‌کشند تا خودشان را بالا بیاوریند، الله اعلم که، کار این پروژه چه، که کار هیچ پروژه ای در وطن ما پیش برود و به اتمام برسد! برای نشان دادن مثال، غرض تأیید این گفته، لازم است تنها به کشور خود و تاریخ آن نگاه کنیم!!

در جایی خواندم که آقای هاشمیان خواهان این هستند که جناب معروفی صاحب به عنوان دستیار شان برای پیشبرد این منظور همراه شان همکاری کنند. این پیشنهاد نشان دهنده آن است که جناب معروفی صاحب، بنابر برداشت هاشمیان صاحب، هم از لحاظ تجربه و هم از نظر دانش و توانائی و اهلیت و صلاحیت، انجام این کار را دارند. حال سؤال اینست که اگر جناب معروفی صاحب از نظر جناب هاشمیان صاحب، که برحسب چنین برداشتی دارای این صلاحیت و توانائی می‌باشند، می‌توانند از عهده این کار برآیند، چرا و به چه دلیلی در همان زمانی که آقای معروفی برای تدوین چنین لغتنامه ای (پیشنهاد چنین بود که برای هر یک از زبان های موجود در کشور توسط شخصیت های مسلکی و صاحب صلاحیت دانشگاهی - علمی زبان خود شان، به شمول زبان دری و پشتو لغتنامه مخصوص اول در پورتال تهیه گردد و بعداً به شکل کتاب طبع و به دسترس مردم گذاشته شود) فراخوان دادند که شامل همه افغانان می‌شد، حاضر نشدند این اقدام نیک و به غایت ضروری را مورد تأیید و حمایت قرار داده با ایشان حداقل صحبتی در این زمینه کنند؟! فراخوان آن زمان با فراخوان این زمان، و شرایط آن روز با شرایط امروز چه تفاوتی با هم دارند؟ اول باید به این سؤال جواب داده شود؛ اگر انتظار همکاری در قسمت تهیه و ترتیب چنین کتابی وجود داشته باشد؛ زیرا به نظر ما این کار؛ یعنی، احتراز از همکاری با جناب معروفی صاحب در آن وقت، نشانه ای است از وجود اندیشه ناسالم که از خودپرستی و کژاندیشی منشأ می‌گیرد. و بار و کاری که بر بنیاد کژی بنا یافته باشد، مشکل است نتیجه بی‌گزند و بی‌عیب داشته باشد!

پیشنهاد شفاهی من در آن زمان چنین بود که هزینه تألیف و تدوین و طبع کتاب را باید نمایندگان هر گروه زبانی، بعد از تکمیل کتاب الکترونیک در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، کار سازی کنند. کتاب را بعد طبع به قیمت تمام شد در اختیار علاقه مندان بگذارند و پولی را که خود هزینه طبع کتاب نموده اند، وضع نموده اگر پیزی باقی ما آن را به فقراء کمک کنند: یک کار انسانی، ملی و خدائی!! در پروژه ای که ما پیشنهاد نموده بودیم، تصمیم چنین بود که به هیچ مؤسسه خارجی اتکا و پول و کمک هیچ مؤسسه خارجی را در منطقه و خواه در سطح جهان قبول نکنیم!

ولی جناب هاشمیان صاحب اصلاً و از اساس به این پیشنهاد وقعی نگذاشتند؛ نه از برای این که برای شان تهیه چنین کتابی مهم نبود، بلکه از برای این که کسان دیگری، غیر از ایشان، آن را پیشنهاد کرده بودند! بسیار اند کسانی که به قول معروف گفته و می‌گویند که "دیگی که برای من نجوشد، بگذار کله سک در آن بجوشد!"

انانیت، حس جاه طلبی و پول، طوری که مبرهن است، اصلی ترین مشکلاتی هستند که در هر زمینه ما را به خاک سیاه نشانده است. هر زمانی که این سه عنصر دست از سر ما برداشت، به حکم و به خواست مردم، ما به انجام هر کاری نایل می شویم، در غیر آن هر آرمانی تا ابد در هیأت یک آرمان، باتأسف، در سینه های ما باقی خواهد ماند و همین آش خواهد بود و همین کاسه و همین تلاش های منفردانه کم زدن طراحان اصلی پروژه های ملی و مردمی و یاوه گوئی های نوچه های شان، در هر زمینه ای، و خود را مطرح کردن های بعضاً سودجویانه؛ شوربختانه!

در اخیر یادآوری این نکته را ضروری می دانم که من در برخی موارد با آقای نوری اختلاف نظر دارم. این را خیلی ها می دانند، ولی این امر به هیچ صورت و هیچ گاه دلیل نمی شود، شریفانه هم نیست، که من به خاطر وجود این اختلاف نظر، از گفتن حقایق شان خالی کنم! چرا؟ چون قبل از همه باید پای پرسش ندای وجدان بنشینم و به هر پرسش آن جواب بگویم، و این پرسش ها بعضاً بسیار سنگین، منفعل کننده و تکان دهنده هستند!!!

۲۰۱۵/۰۶/۲۳